

تاج شاهنشاهی؛ «آه دل من و اشک دیده شما»

تاج کیانی تاج مخصوص سلاطین قاجار است که به‌دستور فتح‌علی شاه ساخته شد و مورد استفاده سلاطین بعدی از نسل وی قرار گرفت.

به گزارش عصر ایران، با انقراض ساسانیان، شاهان ایران دیگر هیچ‌گاه از تاج به این شکل استفاده ننموده

بودند و طی آن دوران تاج به‌صورت جقه بوده است. عناصر به کار رفته در این تاج الماس، زمرد، یاقوت و مروارید است. رضا‌شاه پس از رسیدن به سلطنت، حاضر نشد که از تاج کیانی (که مخصوص شاهان قاجار بود) برای تاج‌گذاری استفاده کند.

بنابراین دستور ساخت این تاج را داد.

◀**سید احمد موسوی** | درباره میزان دارایی‌های خاندان پهلوی مطالب بسیاری در رسانه‌های داخلی و خارجی به رشته تحریر در آمده است؛ حتی برخی از میزان دارایی‌هایی که شاه مخلوع ایران و خاندانش قبل و بعد از سقوط سلطنت از ایران خارج کردند به ثروتی افسانه‌ای تعبیر کرده اند.

احمدعلی مسعودانصاری
پسر خاله فرح پهلوی

شاه مخلوع ایران تا زمانی که در قید حیات بود به نوبه خود هیچ اطلاعاتی در مورد جزئیات مالی خود ارائه نکرد، اما «رابرت آرماتو» یکی از دوستان او این‌گونه نقل می‌کند که محمدرضا پهلوی به او گفته است: «ثروت او بسیار کمتر از بسیاری از میلیونرهای آمریکایی است!»، طبیعتاً برای تخمین میزان ثروت خاندان پهلوی احتمالاً نیاز به یک پژوهش تحقیقاتی گسترده در بسیاری از کشورهایی داریم که خاندان پهلوی در آن‌ها اموال منقول و غیرمنقول دارند؛ چراکه باید فرض را بر این بگذاریم که شاه یا اعضای خانواده او از طریق بانک‌هایی در کشورهای مختلف که امور مشتریان خود را مخفی نگه می‌دارند، اقدام به سرمایه‌گذاری کرده یا در بانک‌هایی سپرده‌گذاری کرده است.

یکی از این پژوهشگران در این زمینه «پل اودوایر» (Paul O'Dwyer)، وکیل ایرلندی – آمریکایی بود که در سال‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تحت نظارت دولت ایران برای کشف حقایق مربوط به ثروت شاه و بازپس‌گیری دارایی‌هایی که درواقع به ملت ایران تعلق داشت، فعالیت می‌کرد. وی در آن زمان معتقد بود حتی اگر از منظر حقوقی «قدرت احضاریه» (subpoena power) داشته باشد، دست‌کم پنج سال طول می‌کشد تا این کار را انجام دهد. در آن ایام آقای اودوایر که تلاش می‌کرد با اقامه دعای حقوقی برای بازگرداندن این سرمایه به ایران فشار بیاورد در دادخواستی که در نیویورک علیه شاه تنظیم شده بود، خواهان استرداد ۵۶ میلیارد دلار از شاه و حدود ۳ میلیارد دلار از جواهرش، اشرف شد.

برخی بر این باورند اسرار ثروت شاه را می‌توان از طریق دو تن از دوستان نزدیکش – دیوید راکفلر و هنری کسینجر – دریافت. کسینجر هرگز در این زمینه اظهارنظری نکرد، اما وقتی از راکفلر، رئیس بانک چیس منهنن در نیویورک، در نشست سالانه این بانک در مورد رابطه بانک با شاه مخلوع سؤال می‌شود، او این‌گونه پاسخ می‌دهد: «سیاست ما این نیست که در مورد روابط با مشتری صحبت کنیم یا حتی تأیید کنیم که او مشتری ما (بانک) است». تاکنون بیشتر اسناد موجود مربوط به شناسایی دارایی‌های شاه و خاندانش از تهران نشأت گرفته است. به نوشته ساینس مانیتور یک منبع بانکی گفته است در آنجا(تهران) صدها محقق در حال بررسی سوابق بانک‌ها و شرکت‌های سابق شاه هستند تا مشخص کنند دارایی‌ها چرا رفته است. آنچه تاکنون مشخص شده این است که زمانی که شاه در قدرت بود، وی و خانواده‌اش کنترل بخش قابل توجهی از پایگاه صنعتی ایران را در دست داشتند. این خانواده علاقه زیادی به صنایع مختلف از اتومبیل و آلومینیوم گرفته تا املاک و هتل‌ها داشتند. بر اساس یک گزارش، شاه خود بودجه شخصی از خزانه دولت داشت که از ۴۳ میلیون دلار تا یک میلیارد دلار در سال متغیر بود. اودوایر معتقد بود ممکن است مقداری از این دارایی‌ها در املاک و مستغلات در ایالات متحده سرمایه گذاری شده باشد. اما فرض عمومی بر این است که شاه بسیاری از ثروت خود را به بانک‌های سوئیس منتقل کرده است – که به محرمانه نگه داشتن اسرار مالی مشتریان خود مشهور هستند. مقامات دولت ایران در آن دوران برای دسترسی به اطلاعات بانک‌های سوئیس از یک مؤسسه حقوقی در سوئیس برای وکالت کمک گرفتند، اما دولت سوئیس هیچ وقت درخواست ایران برای مسدود کردن دارایی‌های شاه و خانواده‌اش را نپذیرفت. بر پایه گفته‌های اودوایر، دولت ایران در آن زمان علاوه بر سوئیس، در فرانسه و اسپانیا نیز وکلایی برای شناسایی و بازپس‌گیری دارایی‌های مرتبط با خاندان پهلوی استخدام کرده بود، اما تلاش‌ها برای بازپس‌گیری این اموال جز در یک مورد – برج بنیاد پهلوی در نیویورک که امروز به بنیاد علوی تغییر نام داده است و در اختیار دولت ایران قرار دارد- به دلایل مختلف سیاسی و حقوقی بی‌نتیجه ماند.

همان‌طور که گفته شد هیچ کس جز شخص شاه مخلوع ایران و خانواده او نمی‌تواند به ابهامات و پرسش‌هایی که در زمینه میزان دارایی‌هایی خاندان پهلوی مطرح است به درستی پاسخ دهد، اما شاید دوستان نزدیک خانوادگی یا برخی از درباریان بتوانند تا حدودی پرده از اسرار این دارایی‌ها بردارند و به برخی از ابهامات در این زمینه پاسخ بدهند. یکی از این افراد «احمدعلی

این تاج توسط گروهی از جواهرسازان ایرانی زیر نظر سراج‌الدین جواهری (اصلاً اهل قفقاز) در سال ۱۳۰۴ خورشیدی ساخته شده‌است. بدنه این تاج از طلا و نقره مرصع ساخته شده و در چهار طرف دارای گنجره پله پله به سبک شاهان ساسانی است.

به نظر می‌رسد تاکنون هیچ‌کس جز شاه مخلوع که ۵ مرداد ۱۳۵۹ در سن ۶۱ سالگی در بیمارستان معادی قاهره بر اثر بیماری سرطان خون درگذشت، نمی‌داند که او در ۲۵ دی ۱۳۵۸ در هنگام خروج از ایران و در ماه‌ها و سال‌های پیش از آن چه مقدار از سرمایه کشور را به خارج از ایران منتقل

گفت‌وگوی اختصاصی قدس با احمدعلی مسعودانصاری از بستگان محمدرضا پهلوی

روایت پسر خاله فرح از خروج ثروت ملی توسط خاندان پهلوی



من حدود یک ماه قبل از پرواز شاه از کشور خارج شده بودم. اما به خاطر دارم یک سال بعد از فوت شاه وقتی تصمیم داشتم برای شرکت در سالگرد فوت شاه و دیدار و صحبت با رضا پهلوی که مدام سراغم را می‌گرفت از آمریکا به قاهره سفر کنم، حدود ۱۶۰ چمدان توسط سر هنگ محمدی از اعضای گارد شاهنشاهی به اسم پنده در هواپیما بارگیری کردند که به قاهره ببرم؛ البته باید بگویم من از محتوای داخل چمدان‌ها اطلاعی ندارم.

■ **در مورد تراست بیشتر توضیح می‌دهید؟ تا جایی که اطلاع داریم این تراست هنوز به قوت خود باقی است.**

درواقع قرار بر این بود که این پول به فردی از خاندان که به پادشاهی ایران برسد، داده شود اما اگر خانواده پهلوی ادعایی که برای سلطنت در ایران دارند را پس بگیرند، به نحوی بین آن‌ها تقسیم خواهد شد. در رابطه با وجوه نقدی که گفته می‌شود شاه به همراه خود از کشور خارج کرده است یعنی ۳۵ میلیارد دلاری که شما اشاره کردید، باید بگویم که بعید می‌دانم این اطلاعات دقیق باشد؛ اساساً این اطلاعات مربوط به وجوه نقدی است که احتمالاً در بانک‌های مختلف سرمایه گذاری شده بود، اما هیچ‌کس اطلاعات دقیقی از میزان و جزئیات آن ندارد.

■ **در بخش دوم یعنی در حوزه مستغلات و اموال غیرمنقول به برخی املاک اشاره شده است، از جمله ویلاهی در سوئیس، زمین‌هایی در اسپانیا، باغی در نایل ایتالیا، جزیره ای در اسپانیا، باغ کاپری و... در این رابطه اطلاعاتی دارید؟**

بنده صرفاً درباره آن مواردی که اطلاع دارم برایتان توضیح می‌دهم اما در مورد چیزی که نمی‌دانم و اطلاعی ندارم نمی‌توانم اظهار نظر کنم. اسم ویلایی که در «سنت موریتس» سوئیس بود «سورتا» بود که پله واقعیت دارد و دادگاهی در این رابطه هم به واسطه درخواست از سوی ایران برگزار شد و چند سالی این دعای حقوقی به طول انجامید اما در نهایت موفق به بازپس‌گیری این ویلا نشدند و این ویلا در نهایت توسط خاندان پهلوی فروخته شد. خود بنده هم چند باری در این ویلا سکونت کردم و میهمان خانواده شاه بودم. اما در رابطه با زمین‌های اسپانیا که در بخش جنوبی اسپانیا(کوستادل سول) واقع شده است، باید بگویم تعداد این زمین‌ها بسیار زیاد بودند و این‌طور نبود که به تعداد اندکی زمین محدود باشد که یکی از این زمین‌ها روبه‌روی جبل الطارق واقع شده بود اما از اینکه این زمین‌ها چه سرنوشتی پیدا کردند بنده اطلاع دقیقی ندارم. در رابطه با جزیره‌ای که اشاره کردید باید بگویم این جزیره واقع در سیشل مربوط به شهرام پسر اشرف بود. اما در مورد املاک یا مستغلاتی که خاندان در کشور انگلیس داشتند تا جایی که مطلع هستم خاندان پهلوی در انگلیس زمین و املاکی داشتند اما من درباره جزئیات آن اطلاعی ندارم. همان‌طور که در مورد «باغ کاپری» چیزی نشنیدم.

■ **آقای انصاری در رابطه با ثروت با هنگام خروج از کشور گمانه زنی‌های بسیاری مطرح است. نظر شما به عنوان یکی از نزدیکان وی چیست؟**
درواقع ثروت شاه به هنگام خروج از کشور شامل چهار بخش بود: بخش نخست آن، مبلغی در حدود ۶۲ میلیون دلار بود که تا زمانی که شاه زنده بود، قسمتی از آن را خرج کرد و ۵۰ میلیون دلار یا کمتر باقی ماند که رضا و علیرضا و فرح هرکدام ۲۰ درصد، لایلا و فرحناز هر کدام ۱۵ درصد، شهناز ۸ درصد و مهناز نوه شاه (دختر اردشیر زاهدی) ۲ درصد از این پول را ارث بردند.

بخش دوم ثروت خاندان پهلوی که کمتر به چشم می‌آید، مربوط به مستغلات این خاندان است که خب بخشی از آن دیده می‌شود و بخشی از آن پنهان مانده است. بخش سوم دارایی‌ها را جواهراتی تشکیل می‌دهد که خاندان پهلوی از کشور خارج کردند. شنیدم که بخشی از این جواهرات(حدود ۴ صندوق) را فریده دیبا و شهبازی در بانک‌های سوئیس به امانت گذاشتند.

بخش چهارم اما مربوط به تراستی است که شاه ایجاد کرده بود. چیزی که به خاطر دارم و شنیده بودم رقمی در حدود ۲۰ تا ۲۲ میلیارد است.

■ **حقوقی تحویل دولت ایران داد. البته درباره برج بنیاد پهلوی باید این را هم اضافه کنم که قرار بود برای پیگیری مسئله بنیاد از سوی رضا پهلوی بنده مأمور پیگیری مسئله شوم که آقای هوشنگ انصاری به بنده گفتند اگر دنبال بازپس‌گیری این ساختمان بروید، خون به راه خواهد افتاد. (می‌خندد)**

■ **گفته شده در پروازهایی چندین چمدان و صندوق حاوی جواهرات سلطنتی ارزشمند از کشور خارج شده است. شما از این پروازها و چمدان‌ها اطلاعی دارید؟**

من حدود یک ماه قبل از پرواز شاه از کشور خارج شده بودم. اما به خاطر دارم یک سال بعد از فوت شاه وقتی تصمیم داشتم برای شرکت در سالگرد فوت شاه و دیدار و صحبت با رضا پهلوی که مدام سراغم را می‌گرفت از آمریکا به قاهره سفر کنم، حدود ۱۶۰ چمدان توسط سرهنگ محمدی از اعضای گارد شاهنشاهی به اسم پنده در هواپیما بارگیری کردند که به قاهره ببرم؛ البته باید بگویم من از محتوای داخل چمدان‌ها اطلاعی ندارم که چه چیزی بود، اما احتمالاً خاندان شاه از این مسئله نگران بودند که بعد از پذیرفته نشدن شاه در آمریکا و براساس قرارداد الجزایر که احتمال استرداد وی به ایران ممکن بود، مقامات این کشور نسبت به مصادره برخی دارایی‌های خاندان هم اقدام کنند؛ البته باید بگویم هیچ وقت این کار را نکردند. به نظر می‌رسد به همین دلیل فرح تصمیم گرفت برخی دارایی‌ها به قاهره منتقل شود؛ خاطره جالبی که در این باره دارم این است که این چمدان‌ها حتی سه، چهار روز در فرودگاه قاهره ناپدید شده بود تا سرانجام بعد از چند روز مراجعه موفق به ترخیص این چمدان‌ها شدیم.

■ **در گفت‌وگویی از شما خواندم رضا پهلوی اقدام به تأسیس یک بانک کرده بود. شما در آن بازه زمانی کارهای مالی او را برعهده داشتید، هدف از تأسیس این بانک چه بود؟ و سرانجام آن چه شد؟**

یکی دو سال بعد از انقلاب وکلای سوئیس آقای پهلوی به ما گفتند اگر اموالی که او دارد به اسم بانک باشد دیگر جمهوری اسلامی نمی‌تواند به راحتی بیاید و اموال یک شرکتی که ذی نفعان بسیاری دارد را بازپس بگیرد. و در نتیجه ما تصمیم به تأسیس این بانک گرفتیم و از آنجایی که در کار خرید و فروش ارز هم فعالیت داشتیم، این بانک کار ما را هم تسهیل می‌کرد. سرمایه این بانک از دو قسمت تأمین شد ؛ ۷ میلیون دلار از سعودی‌ها گرفت و مقداری از ۶۲ میلیون دلاری که او می‌گفت از پدرم مانده و سهم رضا ۲۰ درصد آن حدود ۱۰ میلیون دلار بود که ۵ میلیون دلار آن در این بانک سرمایه گذاری شد. - (البته ۶۲ میلیون دلار نبود چون حدود ۱۰ میلیون آن در زمانی که شاه در قید حیات بود خرج شده بود و مابقی آن به نستی بین اعضای خاندان تقسیم شد).

فرح و دیگران هم در این بانک حساب پس انداز

در ساخت این تاج ۳ هزار و ۳۸۰ قطعه الماس جمعاً به وزن هزار و ۱۴۴ قیراط، پنج قطعه زمرد جمعاً به وزن ۱۹۹ قیراط و دو آئه، دو قطعه یاقوت کبود به وزن ۱۹ قیراط و ۳۶۸ حبه مروارید استفاده شده‌است. وزن تاج با احتساب کلاه مخمل داخلی حدود ۲ کیلو و ۸۰ گرم است.

کرده است. گمانه‌زنی‌های بسیاری نیز در این رابطه صورت گرفته است؛ به گفته «باربارا والترز» از ABC، برآوردها از ۵۰ میلیون دلار تا ۱۰۰ میلیون دلار، به گفته «الکساندر کاکبرن» روزنامه نگار و نویسنده The Nation، تا بیش از ۱ میلیارد دلار متغیر است.

داشتند اما به این صورت نبود که در تأسیس این بانک سرمایه‌گذاری کرده باشند. نام این بانک Mid continental bank and trust بود. باید بگویم که یکی از دلایلی که من با رضا به مشکل خوردیم، دعوی‌ای م‌سر همین بانک بود؛ چون بعد از اینکه(وضع خراب شد) رضا پهلوی نمی‌خواست پول مردم را پس بدهد و نظر بنده این بود که مردم در این بانک سرمایه‌گذاری کردند، پولشان را که به شما نخیشیده‌اند که تصمیم گرفتید پول آن‌ها را پس ندهید. درواقع رضا نمی‌خواست پول مردم را پس بدهد و این ماجرا به دعوی حقوقی منجر شد و در نهایت دیگر مجوزهای قانونی برای تمدید فعالیت این بانک صادر نشد و این بانک از میان رفت.

■ **مقامات آن زمان جمهوری اسلامی برای بازپس‌گیری اموال اقدام به استخدام برخی وکلا در کشورهای مختلف از جمله آمریکا، اسپانیا انگلیس و سوئیس(کشورهایی که خاندان پهلوی در آنجا دارایی‌هایی داشتند) کرد. از جمله وکلی به نام آدوایر در آمریکا که سیاستمداری دموکرات با تباری ایرلندی بود..اما گویا در این زمینه توفیقی نداشتند.**

درواقع سرعت تحولات سیاسی کشور که منتج به انقلاب اسلامی در ایران شد به قدری زیاد بود که به هیچ وجه اتفاقات روزهای بعد قابل پیش‌بینی نبود. از طرفی به این مسئله هم باید توجه داشته باشیم که فرح و اطرافیان‌ش اهداف خودشان را دنبال می‌کردند؛ با این تصور که فرح محبوب است و شاه منفور و تصور می‌کردند بعد از رفتن شاه خودشان حکومت خواهند کرد؛ در نتیجه آن‌ها اساساً در فکر این نبودند که جریان به سمت از بین رفتن کامل سلطنت پیش خواهد رفت تا بخواهند بر اساس آن برنامه‌ریزی کنند؛ از طرفی شاه هم در ۶-۵ ماه آخر سلطنت به شدت گیج و مهیوت بود و عملاً بعد از عید فطر ۱۳۵۷ به شدت فرورویخت و وقتی من می‌دیدمش به شدت در خودش غرق بود. تظاهرات عید فطر که از قیطره شروع شد و آن انبوه جمعیت غیرمنتظره و شعار حکومت اسلامی که همراه آن جمعیت انبوه بود و اساساً سازماندهی بی‌چون و چرایی که آن جمعیت را به قیطره به کشانده و سپس در ردیف‌های منظم به راهپیمایی در خیابان آورد، زنگ خطر بزرگی بود. این تظاهرات یکی از عواملی بود که روحیه شاه را به کلی دگرگون کرد و حتی می‌شود این عبارت را به کار برد که آن مرد با همه ابهت و قدرتی که تظاهر می‌کرد، یکباره شکست.

موردی که از پیگیری حقوقی دارایی‌ها از طرف ایران به خاطر دارم در مورد ویلای سوورتا در سوئیس بود؛ ویلای سوورتا چهار، پنج سال یا بیشتر قبل از انقلاب خریداری شده بود؛ نشان به آن نشان که بنده هم چندباری در آن میهمان خانواده پهلوی بودم؛ برخی تصاویر که در سوئیس من با فرح و با پادشاه یونان و برخی مقامات از سایر کشورها داریم مربوط به همان ویلاست؛ جمهوری اسلامی ایران در این دعای حقوقی که چند سالی هم به طول انجامید نتوانست موفق شود و خاندان پهلوی در نهایت آنجا را فروختند. در اسپانیا هم مقدار زیادی زمین بود که بنده مسئول فروش آن‌ها بودم در آن مورد هم اقدام حقوقی صورت گرفت اما در میانه کار رها شد.

■ **اشاره کردید توفیق چندانی برای استرداد اموال و دارایی‌ها حاصل نشد، درحالی‌که چندین وکیل در این رابطه استخدام شده بود.**

نکته اصلی این است که شما برای استرداد این موارد باید اقدام حقوقی انجام بدهید و به دادگاه مراجعه کنید؛ و اصولاً شرایط دادگاه‌ها هم در همه جای دنیا این است که در ظاهر عدالت در آن رعایت خواهد شد، ولی در اصل زور و پول است که کار را جلو می‌برد و اینکه چگونه قرار است مسیر دادگاه جهت پیدا کند. خب مشخص است که به واسطه اینکه در آن زمان بین غرب و جمهوری اسلامی روابط حسنه‌ای برقرار نبود و از طرفی روابط غرب هنوز با خاندان پهلوی خوب بود – مثلاً پادشاه اسپانیا با خاندان پهلوی به شدت نزدیک بود- طبیعتاً اقدام برای بازپس‌گیری با شکست مواجه می‌شد. افرادی که در ایران آن زمان تصمیم گیرنده بودند هم عقیده داشتند تا زمانی که روابطشان را با غرب درست نکنند، کسی از اموال پهلوی چیزی به آن‌ها پس نخواهد داد؛ چون تصور می‌کردند پیگیری حقوقی بدون حل مسائل سیاسی عملاً پول دور ریختن است. خب این اقدامات حقوقی و اقامه دعوا هز یه‌نه فوق‌العاده بالایی دارد و تا زمانی که مسائل سیاسی حل نشده باشد، عملاً اقدام حقوقی بی‌فایده خواهد بود.



بسته‌بندی ۳۸۴ چمدان در ۲۴ ساعت

به‌گزارش افکار نیوز، دستور پر کردن و بستن چمدان‌ها و صندوق‌ها در روز ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ با تأیید شاه و به دستور فرح صادر شد. فرح دستور داد ۳۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع‌آوری و بسته‌بندی همه‌گونه عتیقه، جواهرات و الماس‌های گرانبها، ساعت‌های تمام‌طلا، تاج و نیم‌تاج‌های تمام زمرد را بر عهده داشتند.



همه ثروت پهلوی

احمدعلی مسعود انصاری: ثروت شاه‌به هنگام خروج از کشور شامل چهاربخش بود: بخش نخست آن، مبلغی در حدود ۶۲ میلیون دلار بود که تا زمانی که شاه‌زنده بود، قسمتی از آن را خرج کرد و ۵۰میلیون دلاریا کمتر باقی ماند که رضا وعلیرضا و فرح هرکدام ۲۰ درصد، لایلا و فرحناز هر کدام ۱۵ درصد، شهناز ۸ درصد و مهناز نوه شاه(دختر اردشیر زاهدی) ۲ درصد از این پول را ارث بردند. بخش دوم ثروت خاندان پهلوی که کمتر به چشم می‌آید، مربوط به مستغلات این خاندان است که خب بخشی از آن دیده می‌شود و بخشی از آن پنهان مانده است. بخش سوم دارایی‌ها را جواهراتی تشکیل می‌دهد که خاندان پهلوی از کشور خارج کردند. بخش چهارم اما مربوط به تراستی است که شاه ایجاد کرده بود. در حدود ۲۰ تا ۲۲ میلیارد است.